

الرحلة الاصفهانية

بخش اول

حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی

به کوشش علی رفیعی علامرودشتی

پیشگفتار

حضرت آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی (ره)، چنان‌که در مقدمه «الرحلة الشیرازیة»^۱ اشاره کرده‌ایم، در زمره عالمان و شخصیت‌های بزرگ شیعه در عصر حاضر است که سفرهای علمی پرباری به شهرهای مهم و تاریخی داشته و به تصریح خود ایشان، تنها زمانی که در قم، اقامت نمودند، در طول اقامتشان در قم، سفرهای متعددی به شهرهایی مانند: زنجان، ابهر، میانه، تبریز، قزوین، همدان، کرمانشاه، بوشهر، شاهرود، سبزوار، نیشابور، مشهد مقدس، تهران، اصفهان، شیراز، کازرون و جز اینها داشته است و با عالمان، دانشوران و اهل فضل و کمال، ملاقات کرده و مذاکرات و مباحثات علمی نموده و از آنها فایده برده و به آنان، فایده رسانده و به برخی اجازه داده و همچنین از بعضی از آنان نیز، اجازه اجتهاد یا اجازه روایتی دریافت کرده است.^۲

معظمه در این مدت، دوبار در خلال سالهای ۱۳۵۰ - ۱۳۵۱ قمری، به شهر تاریخی اصفهان، مسافرت نموده و هربار چند روزی در این شهر مانده و از کتابخانه‌ها، آثار تاریخی و گورستانهای عمومی و خصوصی، دیدار کرده و با شخصیتها، عالمان و دانشمندان این دیار، ملاقات نموده است. در این سفرها، ایشان از برخی عالمان بزرگ اصفهان، اجازه اجتهاد یا روایتی، دریافت کرده

است که از آن جمله، به دو مورد، به این شرح اشاره می‌شود:

۱. ایشان در این سفر از عالم فاضل، آیت‌الله سید محمد نجف آبادی، در سال ۱۳۵۰ قمری، اجازه روایتی دریافت نموده و نوشته است: «و ممّن اروي عنه بالاجازة السيد الايد، العالم الفاضل، الاصولي الفقيه، المدرّس، حجة الاسلام، السيد محمد النجف آبادی... و هذا الرجل من اعيان علماء اصبهان ومدرسيها وفضلائها البارعين الكاملين. اجتمعت به ببلدة اصبهان مراراً عام رحلتي اليها وبقم المشرفة، سنة اجتماع العلماء بها لالغاء اموراسستها الدولة الحاضرة البهلوية، المعاندة لشرع سيد المرسلين ﷺ، تمسأ لها ثم تمسأ».^۳
۲. همچنین از آیت‌الله شیخ محمدرضا مسجدشاهی نیز، در همان سال، در اصفهان اجازه گرفته و در این مورد چنین نوشته است: «و ممّن اروي عنه بالاجازة شيخنا ... الشيخ محمدرضا المشتهر بالآقا رضا المسجدشاهي ... و اجتمعت به مراراً ببلدة قم المشرفة و قرأت عنده شيئاً من الفقه و اصوله و الادب و الرياضي، ثم باصبهان عام خمسين بعد ثلاثمائة والالف (۱۳۵۰) من الهجرة، ثم عام احدى و خمسين بعدهما (۱۳۵۱) باصبهان ايضاً في رحلتي الي شيراز، و استفدت منه كثيراً».^۴

۱. میراث شهاب، سال ۵، شماره ۱، بهار ۱۳۷۸ ش، ص ۵۲-۳۹.

۲. الاجازة الكبيرة، ص ۵۲۲.

۳. مجموعه خطی، به خط آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ص ۳۶؛ المسلات، ۲۴۲/۲.

۴. مجموعه خطی آیت‌الله‌العظمی مرعشی نجفی، ص ۱۱۱.

این سفرنامه نیز، حاصل دیدار ایشان از اماکن تاریخی، مراکز علمی، علما و دانشمندان اصفهان است که در سال ۱۳۵۰ قمری نوشته شده است. این دیدار از روز پنجشنبه هفتم ربیع الاول تا روز یکشنبه هفدهم ربیع الاول همان سال، ادامه داشته و از تکایا و مزارات علما و دانشمندان، واقع در گورستان تخت فولاد، مدارس، مساجد تاریخی، امامزادگان، گورستان طوقچی، روضه هارونیه، قبور انبیا و صلحا، مقبره چولمان، مقبره باب بخشان، مقبره چنار دال بطی (= دارالبطیخ)، قبرستان ست فاطمه، مقبره علامه مجلسی و دیگر مقابر عمومی و خصوصی اصفهان، دیدار به عمل آورده و بسیاری از مزارات و مقابر علما و صلحا که ناشناخته بودند، شناسایی و آنها را، معرفی نموده است و سنگ نوشته ها و کتیبه های مدارس، مساجد، امامزادگان و الواح واقع بر مزارهای علما، بزرگان و صلحا را، به دقت بررسی و ثبت کرده است که از نظراتان خواهد گذشت.

این سفرنامه برای نخستین بار، به زیور طبع، آراسته می گردد؛ گرچه پیش از این، دانشمند محترم، سید مصحح الدین مهدوی، در تعلیقات و تکمله های خویش، بر کتاب تذکرة القبور آخوند ملا عبدالکریم گزی که به نام رجال اصفهان یا تذکرة القبور، منتشر ساخته، از نسخه خطی این سفرنامه و دست نوشته های آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته، استفاده فراوان برده و مطالب فراوانی از آن، نقل کرده است.^۱

سفرنامه اصفهان دارای ۲۲ صفحه است که در مجموعه خطی و یادداشت های گوناگون آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته قرار دارد و این مجموعه حاوی موضوعات مختلف و متنوع است و آیت الله زاده مرعشی، حجت الاسلام دکتر حاج سید محمود مرعشی نجفی، در اختیار این جانب قرار داده اند که به تدریج، رساله های مختلف آن را به چاپ برسانم. این مجموعه دارای ۳۴۷ برگ است که رساله آغازین آن، شرح حال و نسب نامه سید جلیل ابوالسعادات هبه الله بن علی بن محمد، معروف به «ابن الشجری» از نوادگان امام حسن مجتبی علیه السلام است و پایان این مجموعه خطی، یک برگ از سفرنامه اصفهان، درباره مدفونین در قبرستان ست فاطمه می باشد.

اوراق سفرنامه اصفهان، در این مجموعه، به صورت پراکنده، ثبت شده و کوشیده ایم که این اوراق را شناسایی و به ترتیب در فصلنامه میراث شهاب، منتشر کنیم و این قسمت را که ملاحظه می فرمایید بخش اول این سفرنامه است.

در این تحقیق، کوشش کرده ایم که مطالب مختصر و مبهم را تفصیل داده و برای روشن شدن ابهامات، با استفاده از منابع تاریخ اصفهان و مصادری که راجع به مزارات و گورستانهای اصفهان نوشته شده، به تکمیل این سفرنامه پردازیم و شرحی کوتاه درباره هریک از مطالب

مختصر و گزارشهای کوتاه واجمالی آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته در مورد مدارس، مساجد، گورستانها، امامزادگان و عالمان و دانشورانی که در این اماکن مدفون هستند بیاوریم، تا برای خوانندگان بیشتر قابل استفاده باشد. گه گاه نیز به اصلاح برخی مطالب و به ویژه تاریخهای ارائه شده در سفرنامه، پرداخته ایم که به هریک در جای خود، اشاره کرده ایم و اگر لازم بوده که جمله یا کلمه ای را به متن سفرنامه اضافه کنیم، آن را در میان قلاب [] گذاشته ایم و مراجع و مصادر هریک از این تعلیقات و شرح و بسطها را نیز آورده ایم.

الرحلة الاصفهانیة

سافرت في زمن اقامتي ببلدة قم المشرفة الى عدّة من بلاد العجم كالعراق العجم (اراک) و همدان و بوشهر و زنجان و تبریز و شاهرود و سبزوار و قزوین و اصفهان و نیشابور و شیراز و ابهر و میانج و غیره و اجتمعت باریاب الفضل بها، فأفدت و استغدت و أجزت فاستجزت شاكرًا لأنعمه اجتنانی برحمة من بین اقرانی.^۲

[اما رحلتی الی اصفهان^۳]

[باب سیر یوم الخمیس السابع من ربیع الاول ۱۳۵۰، فی الذهاب الی تختة فولاد^۴]

۱. رجال اصفهان یا تذکرة القبور، اصفهان، چاپ دوم، ۱۳۲۸ ش/ ۱۳۶۹ ق.

۲. الاجازة الکبيرة، ص ۵۲۲.

۳. چنان که از اصل دست نوشته آیت الله العظمی مرعشی نجفی رحمته بر می آید، ظاهراً ایشان پس از ورود به اصفهان، در مدرسه صدر اصفهان، سکونت نموده، سپس به گردش در شهر اصفهان پرداخته و نخستین جایی که برای مطالعه و تحقیق رفته، گورستان «تخت فولاد» است.

۴. عناوین بین قلاب [] از خود ماست که بنا بر سیاق این سفرنامه آورده ایم، چون اوراق موجود ناقص و پراکنده است، از این رو بسیار کوشش کردیم تا مطالب پراکنده در اوراق این سفرنامه را به شکلی منظم و مرتب سازیم که هریک از آنها در جایگاه اصلی خویش قرار گیرند.

«تخت فولاد»، نام گورستانی در ساحل جنوبی زاینده رود و مجاور جاده قدیم اصفهان - شیراز، در جنوب خاوری شهر اصفهان و در زمینهای روستایی به نام «تخت فولاد» از دهستان برز رود، در بخش حومه شهر اصفهان است.

زمینهای تخت فولاد، به گفته سید مصحح الدین مهدوی، جزو بلوک جی، به شمار می رود و این قسمت از بلوک جی را «برز رود» می نامند. این گورستان که از گذشته های دوری باقی مانده، به چند نام در دوره های مختلف، نامیده شده که عبارتند از: «لسان الارض»، «تخت فولاد» و «مزار بابا رکن الدین». علت نام گذاری آن را به این اسامی برخی از صاحب نظران در تاریخ اصفهان، شرح داده اند که در مقدمه این سفرنامه به آنها اشاره شد؛ ولی اختصار آن چنین است که این گورستان از آغاز تا اوایل سده پنجم هجری، به

[خرجنا من منزلنا مدرسة الصدر، عازمين مقابر تختة فولاد، صباح يوم الخميس و فيها مقابر و بقاع و تكايا متعددة منها ...^۱] قبر آقا شیخ غلام حسین التستری،^۲ وفاته سنة ۱۳۲۲ [الهجرية]، مدفنه وسط تختة فولاد و كان محدثاً، فقیهاً.

وفات آخوند ملاً محمد سراب،^۳ سنة ۱۱۲۴ [الهجرية]، مدفنه [في] تختة فولاد.

آقای حاج میرزا مهدی جویباره‌ای^۴ [مدفنه في] تختة فولاد.

آقای شهشانی^۵، فوت سنه ۱۲۸۹ [مدفنه في تختة فولاد].

→ نام «لسان الارض»، که اکنون نام قطعه‌ای از اراضی تخت فولاد است و در زاویه شمال شرقی این گورستان واقع شده، خوانده می‌شده است و از این تاریخ به بعد، به دلیل دفن شخصی به نام «فولاد دیلمی» (بابا فولاد) حسب ظاهر، قدیمی‌ترین قبر باقی مانده در آن و یا به دلیل دیگری، به «تخت فولاده» شهرت یافته است و در عهد صفویه به بعد، به علت دفن «بابا رکن‌الدین» عارف نامی قرن هفتم و هشتم هجری، در آن، به «مزار بابا رکن‌الدین» معروف شده است: لغت‌نامه دهخدا، ذیل عنوان «تخت فولاد»؛ تاریخ اصفهان، جابری انصاری، ص ۱۷۰؛ تذکره‌القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۵۴ و مقدمه؛ رجال اصفهان یا تذکره‌القبور، ص ۲۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۷-۲۵، ۱۸۴، ۲۲۵.

۱. به سبک و سیاق این سفرنامه و اینکه منزل ایشان در مدرسه صدر بوده و از آنجا برای تحقیق در مقابر تخت فولاد خارج شده، این عبارات را به عربی آوردیم و آنها را در میان قلاب گذاشتیم و چون برای ما مشخص و معین نشده که آغاز تحقیقات ایشان از همین جا بوده، بعد از کلمه «منها» چند نقطه قرار دادیم تا نشانگر این باشد که ممکن است پیش از آن نیز، مطالبی را نوشته باشند.

۲. شیخ غلامحسین شوشتری (م ۱۳۲۲ ق/ ۱۹۰۴ م)، عالم، فقیه و محدث اصولی. تاریخ تولد وی دانسته نیست و گویا در شوشتر دیده به جهان گشوده است و در همانجا نشو و نما یافته است. او از شاگردان شیخ جعفر شوشتری است. وی سپس به اصفهان رفت و ماندگار شد و به تدریس فقه در منزل خود پرداخت و یکی از شاگردان او، حاج ملاً حسین علی تویسرکانی بوده است. شوشتری به زهد، تقوا و انزوا شهرت داشت و سید مصطلح‌الدین مهدوی، به اشتباه، تاریخ درگذشت وی را ۱۲۲۲ قمری، ثبت کرده است: رجال اصفهان یا تذکره‌القبور، ص ۲۲۳ یا ورقی؛ تذکره‌القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۵۲-۴۵۳؛ الذریعة، ۲۳/۴، ذیل کتاب «التذکره في الحکایات النادرة». قبر وی در ملتقای جاده سابق اصفهان به شیراز و راه تکیه کازرونی و در وسط گورستان تخت فولاد قرار دارد، با سکویی مرتفع و سنگ لوح نیم قدی.

۳. ملاً محمدبن عبدالفتاح تنکابنی «فاضل سراب» (۱۰۴۰-۱۱۲۴ ق/ ۱۶۳۰-۱۷۱۲ م)، فقیه، فیلسوف و ادیب.

او در قریه سراب تنکابن، دیده به جهان گشود و پرورش یافت. استادان وی عبارتند از: محقق سبزواری، علامه مجلسی، محقق خوانساری، شیروانی و محمدعلی بن احمد استرآبادی. او از علامه مجلسی اجازه گرفته است. شاگردان مهم وی عبارتند از: محمدصادق و محمدرضا - دو فرزندش - و محمدشفیع لاهیجانی، که به آنان اجازه نیز داده است. وی در اصفهان در

گذشت و در گورستان تخت فولاد، در مقابل تکیه آقا محمدکاظم و اله، سمت چپ در خیابان همین تکیه، به خاک سپرده شد و به قبر «فاضل سراب» شهرت داشته که اکنون ویران شده است. آثار و تألیفات وی عبارتند از: اثبات الصانع القديم بالبرهان القاطع القویم؛ اثبات الواجب؛ اصول‌الذین؛ اربع رسائل في وجوب الجمعة؛ الحاشیة على الذخيرة؛ الحاشیة على شرح اللعنة؛ الحاشیة على المدارك؛ حاشیة معالم الاصول؛ حجة الاجماع و خبر الواحد؛ حجة الاخبار؛ الحاشیة على زبدة البيان في تفسير آیات الاحكام اوردیلی؛ حکم رؤیة الهلال قبل الزوال؛ سفينة النجاة، در علم کلام؛ ضیاء القلوب، در امامت؛ بحار الانوار، ۹۶/۱۰۵؛ روضات الجنات، ۱۰۶/۷-۱۱۰؛ قصص العلماء تنکابنی، ص ۳۸۷؛ الفوائد الرضویة، ص ۵۵۰؛ ربانة الادب، ۵/۳؛ اعیان الشیعة، ۳۸۱/۹؛ نجوم السماء، ص ۲۰۷-۲۰۸؛ المستدرک، ۳۸۶/۳؛ طبقات اعلام الشیعة «قرن الرابع عشر»، ص ۶۷۱-۶۷۳؛ الذریعة، ۹۶/۱، ۱۰۵، ۱۰۷، ۲۴۱، ۳۱ و ۳۰۱/۳، ۳۰۹ و ۲۷۶/۴ و مجلدات دیگر؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۰۰-۱۰۴. در این کتاب نوشته است که تکیه جویباره‌ایها را تکیه فاضل سراب نیز گفته‌اند؛ زیرا به نام وی ساخته‌اند و در اول تخت فولاد بعد از تکیه ابوالقاسم خواجه‌ی قرار دارد و در سمت مشرق خیابان فیض، نرسیده به دروازه قدیم تخت فولاد است؛ رجال اصفهان یا تذکره‌القبور، ص ۲۵-۲۸؛ تذکره‌القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۵۴-۴۵۵؛ معجم المؤلفین، ۱۸۰/۱۰؛ ایضاح المکتون، ۲۴/۱؛ هدیة المارین، ۳۱۲/۲؛ بروکلان، ذیل ۵۸۶/۲؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۷۱، ۳۴۶.

۴. حاج میرزا مهدی بن محمد صالح جویباره‌ای (۱۲۶۱-۱۳۲۵ ق/ ۱۸۴۵-۱۹۰۷ م)، از نوادگان فاضل سراب و از علما و بزرگان اصفهان و نوه دختری سیدصدرالدین عاملی اصفهانی. قبر وی از تکیه فاضل سراب و بر روی آن سنگی مرمر از سنگهای هفت دست نصب شده است: رجال اصفهان یا تذکره‌القبور، ص ۲۸، ۷۴؛ تذکره‌القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۸۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۰۴؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۷۱.

۵. میر سیدمحمدبن عبدالصمدبن احمد حسینی شهشانی اصفهانی (م ۱۲۸۷ یا ۱۲۸۹ ق/ ۱۸۷۰ یا ۱۸۷۲ م)، فقیه اصولی، شاعر و از عالمان و بزرگان امامیه. وی در محله شهشهان اصفهان دیده به جهان گشود، اما تاریخ تولد او دانسته نیست. شهشانی از شاگردان صاحب ریاض، سید محمد مجاهد و حاج کلباسی بود و معاصر صاحب جواهر و شیخ مرتضی انصاری است. کسانی مانند: حاج میرزا محمدحسن شیرازی، سیدمحمدباقر خوانساری صاحب روضات و اردکانی از شاگردان او بوده‌اند. محمد علی خوانساری از او فقه آموخته و شیخ محسن اصفهانی رشتی از او اجازه دریافت کرده است. از دیگر شاگردان او میرزا عبدالجواد حکیم خراسانی است. او در عصر خود ریاست حوزه علمیه اصفهان را به عهده داشت و به تدریس و تألیف نیز مشغول بود تا این‌که در سال ۱۲۸۷ یا ۱۲۸۹ قمری، در اصفهان، دیده از جهان فرو بست و در تخت فولاد اصفهان، به خاک سپرده شد.

آثار و تألیفات وی عبارتند از: الارجوزة الفقهیة؛ انوار الزیاض؛ انیس المتین؛ الامام الثانی عشر؛ جامع السعادة یا رساله عملیه؛ جنة المأوی؛ رضوان الآملین یا حاشیة القوانين؛ العروة الوثقی فی شرح الدروس؛ الغایة القصوی؛ حواش علی الروضة الریاض.

از این آثار کتاب ریاض الآملین که حاشیه قوانین الاصول است، همراه با متن قوانین برخی از آن حواشی چاپ شده است؛ اما آثار باقی مانده خطی وی به این شرح است: الامام الثانی عشر نسخه‌ای از آن در مرعشی، به شماره

اهل «ریزه»، یکی از دهات لنجان - یکی از بزرگ‌ترین بلوکات مشهور اصفهان - است: رجال اصفهان یا تذکرة القیور، ص ۲۰۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۲۵؛ تذکرة القیور یا دانشمندان اصفهان، ص ۲۷۸؛ تاریخ اصفهان، ص ۴۲۳.

۴. سیدمحمدلاریجانی مازندرانی (م ۱۲۶۶ق/۱۸۵۰م)، عالم فاضل و جد سادات آل رسول موسوی. وی از فقیهان بوده و قبرش نزدیک مقبره تکیه جهانگیر خان در تخت فولاد اصفهان است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۰۵؛ رجال اصفهان یا تذکرة القیور، ص ۲۲۹.

۵. سیدمحمدبن سیدمحمدحسین حسینی خوبی (م ۱۲۶۶ق/۱۸۵۰م)، عالم فاضل، محقق و از ائمه جمعه مسجدشاه اصفهان که زندگی بسیار زاهدانه‌ای داشت و مورد وثوق عموم طبقات بود. او روز سه‌شنبه ۲۹ ربیع الاول ۱۲۶۶، چشم از جهان فرو بست و در اول تخت فولاد، در تکیه جهانگیر خان، به خاک سپرده شد: تذکرة القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۸۱؛ رجال اصفهان یا تذکرة القیور، ص ۳۷-۳۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۰۵.

۶. جهانگیر خان بن محمدخان دره شوری قشقانی اصفهانی (۱۲۴۳ - ۱۳۲۸ق / ۱۸۲۷ - ۱۹۱۰م)، فقیه، فیلسوف، حکیم و شاعر. وی در دهاقان، دیده به جهان گشود و در همانجا پرورش یافت و به کشاورزی و تجارت اشتغال داشت، تا اینکه در چهل سالگی به اصفهان آمده، به تحصیل علم پرداخت و در مدرسه صدر اصفهان سکونت کرد و نزد شیخ محمدحسن نجفی، فقه و اصول و از محمدرضا قمشاهی، علوم معقول را فراگرفت و از آن پس صیت علم و زهد وی در اصفهان و اطراف پیچید و طالبان علم از هر سو به نزد وی شتافتند و از او استفاده کردند. او مدت چهل سال در مدرسه صدر به تدریس فقه، اصول، حکمت و ریاضیات پرداخت و شاگردان فراوانی تربیت کرد. مرحوم آیت‌الله العظمی بروجردی مدتی نزد وی دانش آموخت و میرزا حسن خان جابری انصاری نزد او، نهج البلاغه فراگرفت. از آثار او می‌توان شرح نهج البلاغه را نام برد. او شعر به فارسی و عربی می‌سرود و در برخی منابع اشعار وی را ذکر کرده‌اند. ایشان پس از عمری تدریس و ارشاد، در حالی که تا پایان عمر مجزّد زیست، در شب یکشنبه ۱۳ رمضان ۱۳۲۸، در اصفهان روی در نقاب خاک کشید و او را در تکیه سیدمحمدترک، در تخت فولاد، به خاک سپردند. این تکیه، در اول تخت فولاد، مقابل مسجد رکن الملک، در سمت مشرق تخت فولاد قرار داشته و در مدخل آن اطاقی بوده که قبلاً بقعه‌ای داشته و در سالهای اخیر آن را خراب و تجدید بنا کردند و قبر مرحوم علامه فقیه آقا سید محمد ترک از اهالی خوبی، در آن قرار داشت و به همین مناسبت، به «تکیه آقا سیدمحمد ترک»، شهرت داشت و پس از دفن مرحوم جهانگیر خان در آن، به نام «تکیه جهانگیر خان قشقانی»، معروف شد. قبر وی در انتهای تکیه روی ایوانی قرار گرفته و در اطراف قبر او، قبور جمعی از بزرگان اهل علم و شاگردان وی قرار دارند: تاریخ النجف و الحیره، ۸۲/۱؛ فارسنامه ناصری، ۳۱۳/۲؛ شمس‌التواریخ، ص ۳۳؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۲، ۲۷۱، ۳۲۶؛ آینه دانشوران، ص ۴۷۵؛ دانشمندان و سخن‌سرایان فارس، ۶۱/۲؛ رجال اصفهان یا تذکرة القیور، ص ۳۹-۴۰؛ تذکرة القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۴۶؛ دیستان فرصت، ص ۱۲۷؛ فوائد الرضویة، ص ۸۸؛ طبقات اعلام الشیعة و قرن الرابع عشر، ۳۴۴/۱-۳۴۶؛ الذریعة، ۱۲۲/۱۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۰۴-۱۰۵؛ معجم المؤلفین، ۱۶۳/۳؛ الاجازة الکبیرة مرعشی، ص ۴۰۶-۴۰۷.

آقا میرزا مهدی نجل حاج سیدباقر اردستانی^۱، فوت سنه ۱۲۹۵ [مدفنه فی تخته فولاد].

ملا نجف قلی خراسانی^۲، وفات سنه ۱۲۸۴ [مدفنه فی تخته فولاد].

ملا حسین ریزی^۳، وفات سنه ۱۲۹۱ [مدفنه فی تخته فولاد].

[مدفونین در تکیه جهانگیر خان قشقایی]

یا تکیه آقا سیدمحمد ترک، در تخت فولاد]

آقا سیدمحمد لاریجانی^۴ [متوفی] سنه ۱۲۶۶.

آقا سیدمحمد الخویی^۵ [متوفی] سنه ۱۲۶۶.

هر دو در یک تکیه [تکیه جهانگیر خان یا تکیه سیدمحمد ترک مدفون هستند].

جهانگیر خان^۶ توفی سنه ۱۳۲۸.

→ «۴۸۶۰» انوار الیاض که همان حاشیه ریاض است. نسخه‌هایی از آن در مرعشی، به شماره‌های «۱۸۶۰»، «۲۶۲۱»، «۳۰۱۹»، «۳۱۶۸»، «۳۱۶۹»، «۷۳۴۸»، «۷۷۱۳»؛ انیس‌المستقین؛ نسخه‌ای در آستان قدس، به شماره «۹۶۸۴» و نسخه‌هایی در مرعشی، به شماره‌های «۱۷۶۷»، «۵۴۳۱»؛ جنة المأوی و سحاب القیض والجدوی نسخه‌ای در آستان قدس، به شماره «۹۹۱۷» و نسخه‌هایی در مرعشی، به شماره‌های «۳۲۱۳»، «۳۲۱۴»، «۳۲۱۵»، «۶۴۴۴»؛ رضوان الآملین، نسخه‌هایی در آستان قدس، به شماره‌های «۱۳۴۹۵»، «۱۳۴۹۷»، «۹۸۳۱» و نسخه‌هایی در مرعشی، به شماره‌های «۱۷۲۳»، «۴۸۵۷» و «۷۴۶۵»؛ غایة القصوی، در اصول، نسخه‌هایی در آستان قدس، به شماره‌های «۷۳۹۱» و «۷۳۹۲» و در مرعشی، به شماره‌های «۲۱۶۵»، «۴۵۸۷»، «۵۶۴۵»؛ جامع السعادة، در مرعشی، به شماره «۱۷۶۳»؛ عدالت، در مرعشی، به شماره «۵۹۴۰»؛ عیثه راضیه، در مرعشی، به شماره «۵۹۴۴»، «۷۳۴۰» موجود است: رجال اصفهان یا تذکرة القیور، ص ۲۹، ۳۰، ۳۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۴۵، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۶؛ اعیان الشیعة، ۷۰/۹، ۳۶۵، ۳۸۱؛ فوائد الرضویة، ص ۵۴۲؛ الذریعة، ۴۲۷/۲ و ۲۴۰/۱۱ و ۲۵۲/۱۵ و ۳۶۴، ۱۵/۱۶ و ۲۵۹/۱۷ و ۲۱/۶۴، ۲۸۷ و ۱۲۹/۲۳؛ هدیة الاحباب، ص ۱۶۵؛ ریحانة الادب، ۲۷۵/۳؛ معجم المؤلفین، ۷۴/۱۰، ۱۷۲؛ تراجم الرجال، ۴۶۵/۱ و ۷۳۵/۲؛ فهرست الفبائی کتب خطی آستان قدس رضوی، ص ۷۴، ۷۶، ۱۷۰، ۲۸۴، ۴۱۷؛ زندگانی حکیم جهانگیر خان قشقایی، ص ۳.

۱. میرزا مهدی بن حاج سیدمحمدباقر اردستانی (م ۱۲۹۵ق/۱۸۷۸م)، عالم فاضل. تاریخ تولد و زادگاه وی دانسته نیست، از زندگانی وی نیز، اطلاعی در دست نیست؛ جز اینکه پس از مرگ، در تخت فولاد اصفهان، به خاک سپرده شده است: رجال اصفهان یا تذکرة القیور، ص ۲۳۳؛ تذکرة القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۱۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۲۹؛ ذیل «قبور متفرقه».

۲. ملا نجف قلی خراسانی (م ۱۲۸۴ق/۱۸۶۷م)، شرح حال وی به دست نیامد.

۳. ملا حسین ریزی لنجانی (م ۱۲۹۱ق/۱۸۷۴م)، عالم، فاضل و از مدرّسین و فضلاء اصفهان. تاریخ تولد و زندگانی وی معلوم نیست؛ اما نوشته‌اند، او

مَدفونین در تکیه کازرونی^۱

آقای آقا سید محمدباقر درجه‌ای^۲، وفات سنه ۱۳۴۲.

وفات آخوند ملا عبدالکریم جزئی^۳، سنه ۱۳۳۹.

آقای حاج میرزا محمدحسین ابرقویی^۴، مقیم اصفهان، وفات رجب سنه ۱۳۴۳ و کان من تلمذه شیخنا الانصاری، عاش ازید من مائة [سنه] هر سه در یک تکیه [مدفونند].

تکیه خاتون آبادیها^۵

میر اسماعیل مدرس حسینی خاتون آبادی^۶، وفات سنه ۱۱۱۶،

۱. تکیه کازرونی، از آثار اواخر عهد قاجار و از آثار خیریه حاج محمدحسین بن حاج محمدجعفر کازرونی اصفهانی است که در تخت فولاد، رو به روی بقعه کازرونی و آب انبار وی قرار دارد. کازرونی از بازرگانان متدین و نیکوکار اصفهان بود که خود و پدر و فرزندانش خدمات دینی، اجتماعی و فرهنگی بسیاری، در اصفهان، از ساخت و تعمیر مساجد، تکایا، دبیرستان، دبستان و چاپ کتابهای علمی، قرآن و ادعیه، انجام دادند. وی در سوم محرم الحرام ۱۳۵۱، دیده از جهان فرو بست و پس از مرگ، مدتی در بقعه کازرونی مدفون شد و سپس استخوانهای وی به نجف منتقل و در یکی از حجره‌های صحن حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام، در نجف اشرف، به خاک سپرده شد: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۷۰ - ۱۷۱؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۶۶ - ۶۷؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۹۱، ۴۲۰.

۲. سیدمحمدباقر بن سیدمرتضی بن سیداحمد بن سیدمرتضی موسوی درجه‌ای اصفهانی (۱۲۶۴ - ۱۳۴۲/ق ۱۸۴۸ - ۱۹۲۳م)، فقیه اصولی، محقق مدقق، عالم زاهد و از احفاد میرلوحی سبزواری شاعر. او در «درجه»، قریه‌ای از بلوک لنجان اصفهان، دیده به جهان گشود و نشو و نما یافت، سپس در اصفهان از میرزا محمدباقر چهارسوقی، میرزا محمدحسن نجفی و میرزا ابوالمعالی کلباسی، دانش آموخت، سپس به عراق مهاجرت کرد و در نجف اشرف از محضر میرزا محمدحسن شیرازی، حاج میرزا حبیب‌الله دشتی و حاج سیدحسین کوه کمری، دانش فرا گرفت و در ۱۳۰۳ قمری، به اصفهان بازگشت و در مدرسه نیم‌آورد (نماورد) به مدت ۳۸ سال، به امر تدریس، ارشاد و تألیف اشتغال داشت و شاگردان فراوانی تربیت کرد که از آن جمله می‌توان به: شیخ اسماعیل معزالدین اصفهانی مشهور به «پشمی»؛ آیت الله العظمی بروجردی، آقا رحیم بن علی پناه چهارمحالی «ارباب»، میرزا جمال‌الدین کرمانی و شیخ محمدجواد بن عباس صافی گلپایگانی، اشاره کرد. وی در سحرگاه شب جمعه ۲۸ ربیع الثانی ۱۳۴۲، در حتم درجه، به عارضه سکنه وفات یافت و جنازه‌اش پس از تشییع، به قبرستان تخت فولاد منتقل و در تکیه کازرونی، به خاک سپرده شد. از آثار او می‌توان به: حاشیه بر متاجر شیخ انصاری؛ حاشیه بر فوائد الاصول؛ حاشیه بر مناسک حج؛ یک دوره فقه و اصول در ۱۶ جلد؛ رساله در جبر و تفویض؛ حاشیه بر اصول‌الدین شیخ جعفر شوشتری اشاره کرد: طبقات اعلام الشیعه (قرن الرابع عشر)، ۱/۲۲۴ - ۲۲۵؛ الذریعه، ۴/۳۷۲؛ رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۶۷ - ۶۸ (پاورقی)؛ زندگانی آیت‌الله چهارسوقی، ص ۱۵۷؛ تاریخ اصفهان، ص ۳۱۵ - ۳۱۷؛ معجم المؤلفین، ۹/۹۶؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۸۹، ۱۹۱ - ۱۹۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۷۱ - ۱۷۲.

۳. ملا عبدالکریم بن ملا مهدی بن محمدباقر بن ملا علی گزی برخوردار

(۱۲۶۰ - ۱۳۳۹/ق ۱۸۴۴ - ۱۹۲۱م)، فقیه، اصولی و مورخ رجالی و از بزرگان و اعیان علما و فقهای اصفهان. وی در قریه «گزه» - از بلوک برخوردار، در جهت شمال اصفهان - دیده به جهان گشود و مقدمات علوم را در زادگاه خود آموخت، سپس راهی اصفهان شد و در آنجا نزد میر محمدصادق کتابفروش و میرزا محمدحسن نجفی دانش آموخت و از آنجا رهسپار عراق گردید و از محضر حاج سیدحسین ترک، حاج میرزا حسین خلیلی و میرزا حبیب‌الله رشتی در نجف و علی نقی برغانی در کربلا، استفاده نمود و پس از کسب اجازه، به اصفهان بازگشت و در مدرسه نیم‌آورد (نماورد)، به تدریس و ارشاد و تألیف پرداخت و در اواخر عمر، مرجع تمام مراجعات و حکومت شرعی اصفهان گردید و محمدرضا دستجردی، سیدابوطالب دهکردی و جلال‌الدین نفتی از محضر وی استفاده کردند. او در شب پنجشنبه سیزدهم ذی‌حجه ۱۳۳۹، در اصفهان دیده از جهان فرو بست و در تکیه کازرونی، در تخت فولاد، در کنار سیدمحمدباقر و سید مهدی درجه‌ای آرمید. او دارای آثار و تألیفات به این شرح است: تذکره القبور، چاپ ۱۳۲۴ قمری، در اصفهان و با کوشش سید مصلح‌الدین مهدوی و اضافاتی از معلم حبیب آبادی، سیدعبدالحجّت بلاغی و آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی، در ۱۳۶۹ قمری، در اصفهان؛ صبح العقود والایقاعات و اصول دین، تهران، ۱۳۳۵ قمری. او دارای چندین دیوان شعر بود که برخی از اشعار وی در پایان چاپ اول تذکره القبور منتشر شده است. گزی آثار و تألیفات دیگری نیز داشته است: طبقات اعلام الشیعه «قرن الرابع عشر»، ۳/۱۱۸۳ - ۱۱۸۴؛ مصنفی المقال، ص ۲۳۳؛ الذریعه، ۴/۴۴؛ ۱۱/۱۲۴؛ ۲۰/۱۷/۲ و ۲۴/۳۶۶؛ آینه دانشوران، ص ۲۰۰، ۳۳۹، ۳۳۲؛ مقدمه رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۵ - ۱۲ و ۶۷؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۱۸ - ۴۲۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۷۴؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۴۱، ۱۷۴ - ۱۷۵، ۳۲۹، ۳۴۶؛ مستدرکات اعیان الشیعه، ۳/۱۳۳؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی مشار، ۳/۹۲۹.

۴. از زندگانی و شرح حال میرزا محمدحسین ابرقویی، اطلاع به دست نیامد.

۵. تکیه یا بقعه خاتون آبادیها، از آثار عهد شاه سلطان حسین صفوی است که پس از وفات امیر محمداسماعیل خاتون آبادی، بر فراز مقبره وی ساختند و در قبرستان قدیمی تخت فولاد واقع شده است. بنای آرامگاه، تکیه، گنبد و کاشیکاری آن، از دوره شاه سلطان حسین صفوی است و جمع زیادی از سادات خاتون آبادی و سایر علما و بزرگان در آن مدفون هستند. گویند این تکیه خراب شده بود و ناتوایی که از دست فزاشان حکومتی به این تکیه پناهنده شده بود، آن را تجدید بنا کرد: بخشی از گنجینه آثار ملی، بهشتیان، ص ۵۹؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنر فر، ص ۷۳۱ - ۷۳۲؛ آثار ملی اصفهان، رفیعی مهر آبادی، ص ۸۵۴؛ بناهای آرامگاهی «دایرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی»، ص ۳۷.

۶. میر محمداسماعیل بن میر محمدباقر بن میر محمداسماعیل شاه مرادبن میر عمادالدین محمدبن میر سیدحسن نقیب افضسی، مدرس حسینی خاتون آبادی (۱۰۳۶ - ۱۱۱۶/ق ۱۶۲۶ - ۱۷۰۴م)، عالم، زاهد، مفسر، حکیم و محدث. وی در دوشنبه شانزده ربیع الثانی ۱۰۳۱ یا ۱۰۳۶، در خاتون آباد، یکی از دهات قهاب - در چهار فرسخی شرق اصفهان - دیده به جهان گشود و در اصفهان پرورش یافت. وی جد سادات پای قلعه است که از بزرگان اصفهان بوده‌اند و تولیت مدرسه چهارباغ (سلطانی) را نسل اندر نسل، به عهده داشته‌اند. این سلسله با سلسله امام جمعه اصفهان و تهران، از

کان مدرساً بمسجد شاه عباس.

آقا میر محمد باقر مدرس^۱، وفات سنه ۱۱۲۷، در تکیه خاتون آبادیها.

میر محمد اسماعیل^۲ بن الامیر ابوالمحسن المقتول فی وقعه کربلا - واقعه نجم پاشا - وفاته سنه ۱۲۶۳ و میرزا ابوالمحسن بن المیر محمد اسماعیل و هذا جد المیرزا ابوالمحسن المقتول، توفی فی سنه ۱۱۷۳. الامیر علیرضا الخاتون آبادی^۳، وفات سنه ۱۱۱۶.

میر محمد صادق الحسینی^۴، وفاته سنه ۱۱۴۰.

المیر محمد صادق الموسوی^۵، وفات سنه ۱۲۰۳، در تکیه خاتون آبادی.

سید محمد موسوی^۶ [وفات] سنه ۱۲۰۱، والظاهر انه من اقرباء المیر محمد صادق حاج میرزا محمد علی خاتون آبادی^۷ مدرس، وفات حدود سنه ۱۱۴۶^۸.

موجود است و اخیراً به کوشش دوست دانشورم، آقای رسول جعفریان، چاپ و منتشر شده است؛ ترجمه المشکور، حاج بابایان محمد صالح قزوینی، چاپ تهران، ۱۳۰۰ قمری. ترجمه این دو کتاب به خواست شاه سلطان حسین صفوی بوده است؛ نوروز نامه، نسخه‌ای از آن، به شماره ۱۲۶۶/۲، در دانشگاه تهران است؛ ترجمه عیون الحساب، نسخه‌ای از آن به شماره ۲۱۳۰ در مجلس شورای اسلامی است؛ ترجمه مکارم الاخلاق طبرسی، نسخه‌ای در دانشگاه تهران، به شماره ۱۲۶۶/۳ و سپهسالار سابق، به شماره ۱۸۴۴/۱۲ و نسخه‌ای در کتابخانه ذکر اصغر مهدوی، در تهران که نسخه اصل بوده است و به شاه سلطان حسین صفوی، تقدیم شده است؛ ترجمه بلدالامین کفعمی، آقا بزرگ، نسخه‌ای از آن را در نجف، نزد اردوبادی دیده است؛ آثار علوی یا کائنات الجوی، نسخه‌ای در دانشگاه تهران، به شماره ۱۲۶۶ و موجود است: وقایع الایام، ص ۵۶۱؛ مصنفی المقال، ص ۷۸؛ طبقات اعلام الشيعة «قرن الثاني عشر»، ص ۸۷؛ الذریعة، ۸۴/۴، ۲۶۱، ۳۹/۱۳، ۹۵، ۹۷، ۱۴۲/۱۶ و ۲۲۸/۱۷ و ۱۳/۱۹ و ۶۷/۲۱ و ۱۴۷/۲۲ و ۳۷۹/۲۴ و ۱۲۸/۲۵ و ۱۹۲/۲۶؛ روضات الجنات، ۳۶۸/۵ - ۳۶۹؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی، مشار، ۱۴/۲؛ دایرة المعارف، شیع، ۱۳۷؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی، ص ۱۴۹ به بعد؛ رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۱۰۴؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۵۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۴.

۲. میر محمد اسماعیل بن میر ابوالمحسن خاتون آبادی (م ۱۲۶۳ ق / ۱۸۴۷ م)، عالم زاهد. در منابع، تاریخ تولد و شرح تفصیلی زندگانی وی رانیاقتم، جزاینکه نوشته‌اند پدر او میر ابوالمحسن در واقعه و قتل عام کربلا به دست نجم پاشا، والی بغداد، شهید شد و در آستانه سید الشهداء - ع - به خاک سپرده شد و مسجدی در محله باقلعه، منسوب به او است و مرحوم سید عبدالحسین خاتون آبادی ملقب به سید العراقین، از احفاد او است: تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۳۴؛ رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۱۹۹؛ سیری در تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۲.

۳. میر علیرضا خاتون آبادی (م ۱۱۱۶ ق / ۱۷۰۴ م)، عالم فاضل: رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۲۲۱؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۴۰ - ۴۴۱.

۴. میر محمد صادق حسینی خاتون آبادی (م ۱۱۴۰ ق / ۱۷۲۷ یا ۱۷۲۸ م)، از فضلا و علمای خاندان خاتون آبادی که در تکیه خاتون آبادیها، در تخت فولاد مدفون است: رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۲۱۷؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۴.

۵. میر محمد صادق موسوی خاتون آبادی (م ۱۲۰۳ ق / ۱۷۸۸ یا ۱۷۸۹ م)، از علمای اخیار و فضلی ابرار اصفهان که در اطاق سوم جنب راهرو تکیه خاتون آبادیها مدفون است: رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۲۱۸؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۴.

۶. سید محمد موسوی خاتون آبادی (م ۱۲۰۱ ق / ۱۷۸۶ یا ۱۷۸۷ م)، عالم فاضل از سلسله خاتون آبادیها و از نزدیکان میر محمد صادق موسوی خاتون آبادی که در این تکیه مدفون است: رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۲۲۶؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۷۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۲۸.

۷. حاج میرزا محمد علی حسینی خاتون آبادی مدرس (م ۱۱۴۶ ق / ۱۷۳۳ م) عالم فاضل: رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۲۲۲؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۴۵.

۸. در اصل، ۱۳۴۶ آمده است که با توجه به سایر منابع، اشتباه است و همان تاریخ ۱۱۴۶ قمری، صحیح است.

→ یک طایفه‌اند. میر عماد و میر حسن نقیب - جد بزرگ آنان - از مدینه به قم و از آنجا به اصفهان کوچیدند و در جورت و خاتون آباد، سکونت نمودند و در همانجا دیده از جهان فرو بستند و در دامنه کوه جورت، به خاک سپرده شدند و به همین دلیل این خاندان به «خاتون آبادی» شهرت یافتند.

میر محمد اسماعیل در ۱۱۱۶ قمری، دیده از جهان فرو بست و در تخت فولاد، یعنی بقعه خاتون آبادی (تکیه) به خاک سپرده شد. میر اسماعیل، امام و مدرس جامع عباسی (مسجد شاه) بوده و به میر محمد اسماعیل اول، شهرت یافته است. او دارای آثار و تألیفات از جمله: تفسیری بزرگ در چهار یا چهارده جلد؛ حواشی وقایع الایام برادرش میر عبدالحسین خاتون آبادی؛ حاشیه اشارات؛ شرح مبسوط اصول کافی؛ رسائل متعدده در حکمت؛ شرح حدیث عمران صابی؛ نوروزیه که نسخه‌ای از آن در مجلس شورای اسلامی، در مجموعه ۵۰۰/۱۰ موجود است؛ حقایق الموجودات که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی، به شماره ۱۸۳۳ موجود است؛ وقایع الایام «مشجره سلسله علیه سادات خاتون آبادی»، ص ۵۸۵ به بعد؛ روضات الجنات، ۳۵۱/۳ و ۱۲۳/۴؛ طبقات اعلام الشيعة «قرن الثاني عشر»، ص ۶ - ۶۲؛ الذریعة، ۲۶۱/۴ و ۲۷۳ و ۱۱۰/۶ و ۹۹/۸ و ۶/۱۰ و ۹۶، ۲۵۴ و ۳۹/۱۳، ۹۵، ۲۰۳ و ۱۴۸/۲۲ و ۳۸۰/۲۴ و ۳۸۱ و ۱۲۸/۲۵؛ تنبیح امل الآمل، ص ۶۶، ۶۹؛ نجوم السماء، ص ۲۶۷ - ۲۶۸؛ رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۱۰۰ - ۱۰۴، ۱۹۹؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۷۵ - ۱۷۶؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۹۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۲ - ۱۱۳؛ دایرة المعارف شیع، ۱۳۷؛ کیهان اندیشه، شماره ۱۵۱/۶۰ سال ۱۳۷۴؛ معجم المؤلفین، ۶۰/۹.

۱. میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل بن میر محمد باقر بن میر محمد اسماعیل شاه مراد مدرس خاتون آبادی (۱۰۷۰ - ۱۱۲۷ ق / ۱۶۶۰ - ۱۷۱۵ م)، عالم، فقیه، ملاباشی اصفهان و نخستین مدرس مدرسه چهارباغ. وی شاگرد امیر فیض الله بن عبد القاهر حسینی تفرشی است و شاه سلطان حسین صفوی و سید نورالدین بن سید نعمت الله جزائری از شاگردان وی هستند. او در ربیع الاول ۱۱۲۷، دیده از جهان فرو بست. قبر وی در اطاق شرقی (سمت چپ) تکیه قرار دارد. وی دارای آثار و تألیفات به این شرح است: ترجمه اناجیل اربعه که نسخه‌ای از آن در کتابخانه آیت الله مرعشی، به شماره ۳۳۶۴

سید فندر سکی^۱، وفات سنه ۱۰۵۰.

بابا رکن‌الدین^۲، وفات [سنه] ۷۶۹.

ملا محمد حسن ناینی^۳ عارف، وفات سنه ۱۲۷۰.

میرزا محمد نصیر بایزیدی^۴، وفات سنه ۱۲۰۰.

میرزا عبدالمنان الطوسی ابوجعفری^۵، وفات سنه ۱۲۱۹، الفقیه

الشاعر المحدث، صاحب التعلیق علی التهذیب، لجدہ.

بابا عبدالله^۶ المدفون به «منار جم جم»، توفی سنه ۷۱۶.

الشیعة، ص ۱۳، ۲۷۲، ۵۰۶ - ۵۰۷؛ فلاسفة ایرانی، ص ۷۰۲ - ۷۰۵؛ مرآة الکب، ۳۳/۱؛ ریاض المارین آفتاب، ۲۶/۱؛ دبستان المذاهب، ۱۴۰/۱؛ آتشکده آذر، ص ۱۴۳، ۴؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۱۰۸ - ۱۱۲؛ تاریخ ادبیات ایران براون، ترجمه یاسمی، ص ۱۷۲؛ فهرست ریو، ص ۸۱۵؛ اعیان الشیعة، ۴۰۳/۲، ۴۱۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۰۸ - ۲۱۰؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۹۵ - ۹۶؛ طرائق الحقایق، ۷/۳؛ بناهای آرامگاهی «دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی»، ص ۷۸؛ آثار ملی اصفهان، ص ۸۵۸؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنر فر، ص ۵۴۳ - ۵۴۴؛ تاریخ اصفهان جابری، ص ۱۷۶ - ۱۷۷.

۲. شرح حال وی، در ذکر «تکیه بابا رکن‌الدین» خواهد آمد.

۳. آخوند ملا حسین آرندی ناینی (م ۱۲۷۰ ق / ۱۸۵۳ - ۱۸۵۴ م)، عالم زاهد و عارف که در مدرسه نامورد سکونت داشته و در آن مدرسه در نهایت تهیدستی زندگی می‌کرده و در اطاق قدری جل کهنه داشته که زیر آنها می‌رفته و خود را گرم می‌نموده و شب زنده‌دار بوده است و به علوم حکمت و ریاضیات، مسلط بوده است و بسیاری از بزرگان اصفهان مرید او بوده‌اند؛ اما وی اعتیایی نمی‌کرده است. برخی از مؤلفین مقامات و کراماتی به او نسبت داده‌اند و گویند وی از اختراع و انتشار تلگراف و پیدایی باب، خبر داده بود. او در ۱۲۷۰ قمری، در اصفهان دیده از جهان فرو بست: المآثر و الآثار مرضی، ص ۱۶۹؛ طبقات اعلام الشیعة «قرن الثالث عشر» ۳/۱/۲/۱؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۶۵ - ۶۶؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۸۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۷۳ که نوشته است، وی در ایوان ورودی تکیه بابا رکن‌الدین در تخت فولاد، به خاک سپرده شد.

۴. در اصل، ۱۲۰۷ آمده است که اشتباه می‌باشد.

۵. میرزا محمد نصیر بایزیدی (م ۱۲۰۰ ق / ۱۷۸۶ م)، فاضل و ادیب، از اجداد، تاریخ تولد و زادگاه وی اطلاعی در دست نیست؛ جز اینکه نوشته‌اند او گرچه نام و نسب به بایزید بسطامی می‌رساند؛ اما از مخالفین اهل تصوف و عرفان بوده که در اصفهان دیده از جهان فرو بسته و در کنار جاده قدیم، در وسط تخت فولاد، به خاک سپرده شده است و در خیابان کشتی آثار قبر وی از میان رفته است. قبر او در نزدیکی قبر میرزا عبدالمنان طوسی ابوجعفری، قرار داشته است: رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۲۳۴؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۲۲ - ۵۲۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۳۴.

۶. میرزا عبدالمنان طوسی ابوجعفری (م ۱۲۱۹ ق / ۱۸۰۴ م)، فقیه، محدث و شاعر. از زادگاه و تاریخ تولد وی، اطلاعی در دست نیست و زندگانی او نیز، چندان مشخص نیست؛ اما نوشته‌اند که وی از اصحاب شیخ الطائفه، ابوجعفر طوسی است و به دلیل همین انتساب هم، به «ابوجعفری» شهرت داشته است. او بر کتاب تهذیب الاحکام جد خود، تعلیق‌ای زده است و در اصفهان، دیده از جهان فرو بسته است و در کنار جاده قدیم، در وسط قبرستان تخت فولاد به خاک سپرده شده است: اعیان الشیعة، ۱۲۶/۸؛ طبقات اعلام الشیعة «قرن الثالث عشر»، ۷۹۶/۲/۲؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۲۲۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۲۷؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۱۷.

۷. بابا عبدالله (م ۷۱۶ ق / ۱۳۱۶ م)، از عارفان بنام و یکی از هفت طبایب مدفون در اصفهان که مؤلف در جای دیگری از این سفرنامه، به آنها اشاره کرده است و از وی با عنوان: «بابا عبدالله سقلا» نام برده است. در سایر منابع از او با عنوان «عمو عبدالله صیقلانی» یا «عمو عبدالله عسقلانی» نیز، نام برده‌اند و او را فرزند محمد بن محمود دانسته‌اند که از عارفان و صوفیان

۱. میر ابوالقاسم بن میرزا بیگ بن امیر صدرالدین موسوی حسینی «فندر سکی» یا «ابوالقاسم فندر سکی» و یا «میر فندر سکی» (ح ۹۷۰ - ۱۰۵۰ ق / ۱۵۶۲ - ۱۶۴۰ م)، حکیم، فیلسوف، عارف و عالم برجسته معاصر شاه عباس اول و شاه صفی صفوی و شیخ بهایی و میر داماد. در منابع و مآخذ از زادگاه وی نامی نبرده‌اند؛ ولی گویا در استرآباد، دیده به جهان گشوده باشد.

از استادان او نیز، سخنی به میان نیامده است، اما وی را در حکمت طبیعی - الهی، ریاضیات و علوم عقلی یگانه عصر و وحید زمان خویش دانسته‌اند. او حکمت اشراق شیعی را با حکمت غنوصی هندی در آمیخت و از آن دفاع کرد و در عرفان سر سلسله عرفای زمان خویش بود. فندر سکی کتابهای قانون و شفاء بوعلی سینا را تدریس می‌کرد. در ۱۰۰۲ قمری هنگامی که پادشاهان صفوی علیه صوفیه اقدام کردند و به سرکوبی اهل تصوف پرداختند و پایتخت را از قزوین به اصفهان منتقل کردند، وی به شاه صفوی اعتراض کرد و به همین دلیل دربار صفویان را رها و به هند و کشمیر مسافرت کرد و زبان هندی را فراگرفت، سپس به ایران، بازگشت. از شاگردان معروف وی می‌توان از آقا حسین خوانساری نام برد و همچنین حسن علی بن عبدالله شوشتری که شبه اجازه‌ای نیز، به وی داده است. از آثار اوست: تاریخ الصوفیه؛ تحقیق المزلة؛ رسالة صناعیة؛ شرح کتاب المهاره (مهاره) که به شرح جوک نیز، شهرت دارد؛ مقولة الحركة والتحقیق فیها؛ کشف اللغات، در لغات جوک، که نسخه‌ای از آن در کتابخانه دانشگاه تهران موجود است و نسخه‌ای نیز، در کتابخانه مجلس شورای اسلامی، به شماره ۶۴۰ موجود است. تصویری از او همراه با تصویر شیخ بهایی، در کتابخانه سلطنتی، به شماره ۱۴۸۴ موجود بوده است که در فهرست آتابای، ص ۳۱۸، به آن اشاره شده است. قصیده یائنه او بسیار معروف است که در استقبال از قصیده ناصر خسرو گفته است و عده‌ای بر آن شرح نوشته‌اند و آغاز و مطلع آن به این شرح است:

چرخ با این اختران نغز و خوش و زیباستی

صورتی در زیر داد هرچه در بلاستی

وی در سن هشتاد سالگی، در ۱۰۵۰ قمری، در اصفهان دیده از جهان فرو بست و در تکیه‌ای به نام «تکیه میر» یا «میر فندر سکی»، در اول قبرستان تخت فولاد، به خاک سپرده شد و کتابخانه شخصی او بنا بر وصیت خودش، به کتابخانه سلطنتی شاه صفی منتقل گردید: ریاض البحة، روضه چهارم، ۵۱۵/۱ - ۵۲۱، شماره ۱۰۳؛ ریاض العلماء، ۴۹۹/۵ - ۵۰۲، بحار الانوار، ۲۱/۱۰۷؛ مجمع الفصحاء، ۶/۲؛ مطرح الانظار، ص ۱۵۵؛ ریاض المارین ص ۲۷۷؛ روضات الجنات، ۲۴۶/۱ و ۲۴۸/۲، ۳۵۴ - ۳۵۵ و ۱۸۴/۳ و ۳۸۰/۵؛ وقایع السنین والاعوام، ص ۵۱۴؛ الکتی والالقباب، ۳۵/۳ - ۳۶؛ ریحانة الادب، ۳۵۷/۴؛ طبقات اعلام الشیعة «قرن الحادی عشر»، ص ۴۴۲، ۴۵۰، ۴۵۱؛ الذریعة، ۳۶۴/۳ و ۱۲۹/۴ و ۳۴/۷ و ۸۴۹/۹ و ۱۵/۱۴ و ۳۹۴/۲۲؛ خزائن نراقی، ص ۲۲؛ فلاسفة

میر داماد، شیخ بهایی و ملا عبدالله شوشتری، دانش آموخته و خود استاد علامه مجلسی و شیخ حر عاملی، بوده است. وی به علت وسعت مشرب با ترک و تاجیک اختلاط داشته و در آغاز با میرزا حبیب الله صدر بود و پس از آن با نجف قلی خان بن قزاقخان به ایروان رفت و پس از آن دو سال در مشهد ماند و بعد به اصفهان بازگشت و در همانجا دیده از جهان فرو بست. در تاریخ مرگ وی اقوال مختلفی وجود دارد که قول مشهور همان هفتم شوال ۱۰۸۲ است. او دارای آثار است: چون: اقسام التشکیک؛ الشجرة الهیة؛ الثمرة فی تلخیص الشجرة؛ حاشیه اصول کافی که سه نسخه آن به شماره های ۱۶۹۷، ۱۶۹۸ و ۳۳۸۰، در کتابخانه مدرسه عالی شهید مطهری (سپهسالار سابق)، در تهران موجود است؛ حاشیه شرح ارشاد اردبیلی؛ حاشیه شرح اشارات خواجه نصیر طوسی؛ حاشیه شرح حکمة العین میرک بخاری؛ حاشیه شرح مختصر الاصول عضدی؛ حاشیه صحیفه کامله سجادیه؛ حاشیه مختلف علامه؛ حاشیه مدارک الاحکام؛ رساله ای در سریان وجود؛ سؤال و جواب در طهارت و صلاة که این آخری را شاگرد او سید محمد مهدی بن محمد رضا مشهدی، گرد آورده است. از آثار او تنها کتاب اقسام التشکیک، در تهران و در ۱۳۱۳ قمری، چاپ شده است. تذکره نصر آبادی، ص ۱۸۲؛ فوائد الرضویة، ص ۵۳۱؛ مؤلفین کتب چاپی فارسی و عربی مشار، ۴۴۶/۵ - ۴۴۷؛ هدیه الاحباب، ص ۱۴۲؛ مستدرک الوسائل، ۴۰۹/۳؛ ربحانة الادب، ۱۲۸/۶؛ اعیان الشیعة، طبقات اعلام الشیعة «قرن الحادی عشره»، ص ۲۲۶؛ الذریعة، ۲۷۱/۲ و ۱۳/۵ و ۱۰۹/۶، ۱۱۲، ۱۳۲؛ آتشکده اردستان، ۲۸۸/۲؛ امل الآمل، ۳۰۹/۲؛ وقایع السنین و الاعوام، ص ۵۲۹، ۵۱۴، ۵۳۰؛ روضات الجنات، ۸۴/۷ - ۸۵؛ جامع الزواة، ۵۵۰/۲؛ بحار الانوار، ۷۶/۱۰۵؛ سفینه البحار، ۵۳۱/۱؛ سلافة المصر، ص ۴۹۱؛ الکنی و الالقاب، ۲۷۹/۲؛ هدیه العارفين، ۲۸۴/۲؛ رجال اصفهان، ص ۶۰ - ۶۱؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۴۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۸؛ بناهای آرامگاهی، ص ۳۱۳.

۴. شعری را که شاعر، تاریخ مرگ وی را در آن ذکر کرده، عبارت است از:

به تاریخ فوتش خردمندگفت «مقام رفیع مقام رفیع»
که به حروف ابجد معادل ۱۰۸۲ می باشد.

۵. میرزا محمد علی بن میرزا مظفر خلیفه سلطانی منجم (م ۱۱۹۸ ق / ۱۷۸۴ م)، عالم فاضل که تاریخ تولد و زادگاه وی دانسته نیست و به احتمال زیاد، در اصفهان دیده به جهان گشوده باشد. او از عالمان زمان کریم خان زند است که زندگی زاهدانه ای داشته است و نزد سید حسن طالقانی دانش آموخته است. در اصفهان نیز، دیده از جهان فرو بست و در خارج از بقعه میرزا رفیعا، در تخت فولاد اصفهان، به خاک سپرده شد. او امام جماعت مسجد امام علی (ع) بوده است. رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۶۱، ۱۶۷؛ طرائق الحقائق، ۱۱۳/۳، ۱۱۴، ۱۱۵؛ مکارم الآثار، ۷۰/۱؛ رسم التواریخ، ص ۴۰۵؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۰۳؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۷۹.

۶. میر محمد سعید، معروف به «میرزا سعید» طباطبایی نائینی (م ۱۲۵۱ ق / ۱۸۳۵ م)، عالم فاضل و از اصحاب میرزا رفیعا طباطبایی نائینی. تاریخ تولد و زادگاه وی دانسته نیست و از زندگانی او نیز اطلاعات اندکی موجود است. وی در اصفهان می زیسته و در همانجا دیده از جهان فرو بسته است و در صحن تکیه میرزا رفیعا، به خاک سپرده شده است. رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۲۱۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۹؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۵۳؛ آتشکده آذر، ۲۸۸/۲.

وفات آقا نجفی، شیخ محمد تقی بن الحاج الشیخ محمد باقر الاصفهانی^۱، سنة ۱۳۳۲.

تکیه میرزا رفیعا^۲

آقا میرزا رفیعا طباطبایی نائینی^۳، وفات سنة ۱۰۸۲، المطابق لقول الشاعر: «مقام رفیع»^۴ مرتین، كما فی لوح قبره.
آقا میرزا محمد علی بن المیرزا مظفر المنجم^۵، وفات سنة ۱۱۹۸، مدفنه فی صحن بقعة المیرزا رفیعا.

المیرزا سعید، من آل المیرزا رفیعا الطباطبایی^۶، وفاته سنة ۱۲۵۱

→ ساکن در اصفهان بوده است و در آن روزگار این عارفان را با عنوان «بابا» می شناخته اند. او در عهد سلطان محمد خدابنده می زیسته و در اصفهان، دیده از جهان فرو بسته است و در بقعه مناره جنیان اصفهان که در قرینه کارلادان واقع است، به خاک سپرده شد و در آن روزگار نیز، به همان نام «کارلادان» معروف بوده است و گویند که این دو مناره را طبق وصیتی که کرده بود، ساخته اند؛ به شکلی که اگر طفلی سر یک مناره را بجنانند، مناره دیگر هم، تکان می خورد و معزالدین مهدوی، علت حرکت این دو منار را در کتابی به نام منار جنیان اصفهان شرح داده است. رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۶۴؛ تذکره القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۲۴؛ تاریخ اصفهان، ص ۲۱.

۱. شرح وی، در ذکر مقبره اش، در صفحات آینده، خواهد آمد.

۲. تکیه میرزا رفیعا نائینی، در گذشته های دور، در جنوب گورستان تخت فولاد قرار داشته و از آثار شاه سلیمان (شاه صفی) صفوی است که بر فراز مقبره حکیم و فیلسوف نامور میرزا رفیع الدین محمد طباطبایی نائینی «رفیعا» ساخته شده بود که در دوره های اخیر با ایجاد ساختمان فرودگاه اصفهان، در زمینهای گورستان تخت فولاد، این تکیه و محوطه آن خراب شد و تنها گنبد هشت ضلعی آن باقی ماند و اکنون بقعه میرزا رفیعا، در حاشیه فرودگاه اصفهان، قرار دارد و شامل بقعه ای هشت ضلعی است که از لحاظ معماری بسیار جالب است و در ۱۳۳۷ شمسی، تزیینات کاشیکاری گنبد و تعمیرات آن به پایان رسیده و دارای نقوش هندسی است که در نوع خود کم نظیر است و گنبد مشابه آن در اصفهان، گنبد شاه زید است. در گردنی گنبد و تزیینات کاشیکاری ایوانها، کتیبه هایی از عبارات اسلامی، به خطوط بنایی نوشته شده است و اکنون جزو آثار باستانی اصفهان به شمار می رود و در مقابل تکیه بابا رکن الدین قرار گرفته است و قبر میرزا رفیعا در داخل ایوانچه جلو گنبد است. در پایین تکیه میرزا رفیعا، چهار طاقی دیگری قرار داشته که بر قبور نیاکان سادات، معروف به کتابفروش، افزاشته شده است. رجال اصفهان یا تذکره القبور، ص ۶۳، ۶۰؛ تذکره القبور یا دانشمندان اصفهان، ص ۳۴۳؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۷۸، ۱۷۹، ۳۴۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۹؛ بناهای تاریخی در پناه قانون، فصلنامه اثر، ش ۱۵ و ۱۶ «۱۳۶۷»، ص ۲۱۳؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنر فر، ص ۶۳۱ - ۶۳۳؛ بناهای آرامگاهی «دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی»، ص ۳۱۳.

۳. میرزا رفیع الدین محمد بن حیدر طباطبایی نائینی، ملقب و مشهور به «رفیع الدین» و «رفیعا» یا «آقا رفیعا» و یا «میرزا رفیعا» (حدود ۱۰۰۰-۱۰۸۲ ق / ۱۵۹۲ - ۱۶۷۱ م)، فقیه اصولی، حکیم متکلم و از معاریف عالمان و حکیمان شیعه. او نزد استادان بزرگواری مانند: میر فندرسکی،

و قبره في صحن الميرزا رفيعا.

آخوند ملا محمدصادق بن محمدباقر الهزار جریبی^۱، وفاته سنة ۱۲۰۳، مدفن [در] تکیه میرزا رفیعا.

حاج میرزا محمدکاظم بن السید حسین الطالقانی^۲، وفات سنة ۱۱۱۷، مدفن [في] خارج صحن الميرزا رفيعا.

شهربانو^۳، صبیته محتسب الممالک سابق، وفات سنة ۱۱۲۰، کانت شاعرة، عالمة، اديبة، لها ديوان شعر. در تکیه خرابه^۴، قریب [تکیه میرزا] رفیعا.

میرزا محمدتقی ابن المیرزا سیدمحمد^۵، وفات سنة ۱۱۲۸، مدفن در تکیه خرابه مزبوره.

تکیه مادر شاهزاده^۶

آقا شیخ محمدتقی نجفی مسجدشاهی^۷، سنة ۱۲۴۸، وفات نموده؛ مدفن در تکیه مزبوره [تکیه مادر شاهزاده].

۱. میر محمدصادق بن آقا میر باقر هزار جریبی (م ۱۲۰۳ / ق ۱۷۸۸ یا ۱۷۸۹م)، عالم فاضل و برادر آقا محمدعلی هزار جریبی. تاریخ تولد وی دانسته نیست و از زندگانی او نیز اطلاع دقیقی نداریم؛ جز این که نوشته‌اند در اصفهان، روی در نقاب خاک کشید و قبر وی در صحن تکیه میرزا رفیعا قرار داشته که با تسطیح اراضی این تکیه برای فرودگاه، قبر وی نیز خراب شده است. رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۲۱۷؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۶۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۹.

۲. حاج میرزا محمدکاظم بن سیدحسین طالقانی (م ۱۱۱۷ / ق ۱۷۰۵م)، عالم، ادیب و زاهد. تاریخ تولد، زادگاه و زندگانی وی دانسته نیست، جز اینکه در اصفهان می‌زیست و در همانجا دیده از جهان فرو بسته است و از سادات طالقانی نجف بوده است. قبر او در خارج تکیه میرزا رفیعا بوده که در تسطیح اراضی تخت فولاد و تکیه میرزا رفیعا، برای فرودگاه، خراب شده است. رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۲۲۵؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۶۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۵.

۳. شهربانو، دختر محتسب الممالک (م ۱۱۲۰ / ق ۱۷۰۸م)، از زنان شاعر، ادیب و دانشمند و صاحب دیوان شعر. رجال اصفهان، ص ۲۱۷؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۵.

۴. تکیه خرابه، در کنار تکیه میرزا رفیعا طباطبایی نائینی، در سمت شرقی آن، که تا حدود ۴۵ سال پیش آثار آن و چندین قبر مشهود بوده است و دیوارهای آن تکیه و چندین تکیه خرابه دیگر، عموماً نیمه خراب بوده و در اثر گذشت زمان و سیل و باران، بیشتر آثار قبور از بین رفته و از آنها جز این تکیه خرابه، چیزی باقی نمانده بود که پس از تسطیح اراضی تخت فولاد، جهت فرودگاه اصفهان، آنچه باقی مانده بود نیز، از میان رفت. سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۱۴ - ۱۱۵.

۵. میرزا محمدتقی بن میرزا سیدمحمد (م ۱۱۲۸ / ق ۱۷۱۶م)، عالم و فاضل که در تکیه خرابه کنار تکیه میرزا رفیعا، مدفون بوده است و اکنون اثری از آن موجود نیست. رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۲۰۶ - ۲۰۷؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان،

ص ۱۱۵.

۶. تکیه مادر شاهزاده واقع در تخت فولاد و در سمت چپ تکیه بابا رکن‌الدین قرار داشته و بنا بر وصیت خانمی به نام مریم، دایه سیف الدوله محمدمیرزا، فرزند فتحعلی شاه قاجار و از جواهرات او ساخته شده، به عنوان «تکیه مادر شاهزاده» شهرت دارد و چون وصی وی، علامه فقیه اصولی آقا شیخ محمدتقی رازی نجفی مسجدشاهی، بوده است و او پس از مرگ مریم خانم و دفن وی در این مکان، این تکیه را بر فراز مقبره‌اش ساخته و بعدها که خود شیخ نیز، وفات یافت، در همین تکیه، به خاک سپرده شد، به «تکیه شیخ محمدتقی» نیز، شهرت یافت؛ اما شهرت آن به «تکیه مادر شاهزاده» بیشتر است. نخستین کسی که در این تکیه مدفون شده، همان مریم خانم است که در میان عمارت تکیه قرار دارد و اشعاری بر سنگ مرمر لوح قبرش، به خط آقا محمدباقر سموری است. قبر شیخ محمدتقی رازی نجفی در جلو قبر مادر شاهزاده قرار دارد. مادر شاهزاده در ۱۲۴۶ قمری، درگذشته است. تاریخ اصفهان، ص ۱۷۹، ۳۱۹؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۱۲؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۶۶ - ۷۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۹۱.

۷. شیخ محمدتقی بن محمدرحیم (عبدالرحیم) ایوان کیفی تهرانی، رازی نجفی اصفهانی مسجدشاهی (متوفی ۱۲۴۸ / ق ۱۸۳۳م)، فقیه اصولی و از علما و مجتهدین بزرگ که در «ایوان کیف» نزدیک تهران، دیده به جهان گشود و در ایام جوانی به عراق مهاجرت کرد و در آنجا نزد استادان بزرگی مانند: سیدمحسن اعرجی در کاظمین و وحید بهبهانی و سید علی صاحب ریاض در کربلا و سید مهدی بحر العلوم، شیخ جعفر کاشف الغطاء در نجف، به فراگیری علوم و فنون پرداخت و داماد شیخ جعفر کاشف الغطاء گردید و پس از کسب اجازه به اصفهان مهاجرت نمود و در آغاز در محله احمد آباد سکونت نمود و سپس در مسجدشاه به تدریس پرداخت و در مجاورت همان مسجد سکونت نمود، از این رو خود او و فرزندانش به «مسجدشاهی» شهرت یافتند. مشاهیر شاگردان وی: برادرش شیخ محمدحسین صاحب فصول، سیدحسن مدرس، شیخ مهدی کجوری شیرازی و مجدّد شیرازی بودند. او دارای آثار و تألیفاتی به این شرح است: تقریرات استادش بحر العلوم، در طهارت که شرح کتاب وافی است؛ حاشیه معالم الاصول، به نام هدایة المسترشدين، در ۳ جلد که معروف‌ترین اثر اوست و به همین جهت وی را صاحب حاشیه گویند و حاشیه شیخ و حاشیه مطلق، در میان علما و فضلا، مراد همین کتاب است؛ رساله عملیه؛ رساله در حجّیة مظنه؛ رساله در عدم منظر بودن توتون (توتن) و تنباکو؛ رساله در فساد شرط ضمن العقد؛ شرح اسماء الحسنی؛ کتابی در طهارت و کتابی در فقه. وی در روز جمعه ۱۵ شوال ۱۲۴۸، در اصفهان دیده فرو بست و در تکیه مادر شاهزاده که به نام خود او «تکیه شیخ محمدتقی» نیز خوانده می‌شود، به خاک سپرده شد. طبقات اعلام الشیعة «قرن الثالث عشر» ۲۱۵/۱ - ۲۱۷؛ الذریعة، ۶۶/۲، ۱۱۴، ۱۹۷، ۴۳۷، ۴۴۶، ۸۲/۴، ۳۷۴، ۴۰۷، ۲۰۵/۶، ۲۷۷ و ۲۵۷/۸ و ۱۸۲/۱۰، ۱۹۱ و موارد متعدّد دیگر؛ ریحانة الادب، ۴۰۳/۳ - ۴۰۴؛ هدیة الاحباب، ص ۱۸۵؛ روضات الجنّات، ۱۳۲/۲، ۱۲۵؛ نجوم السماء، ص ۳۸۰؛ رجال اصفهان یا تذکرة القبور، ص ۶۷ - ۷۴؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۷۹، ۳۱۹؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۹۱ - ۹۳؛ تذکرة القبور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۱۲ - ۲۱۳؛ اعیان الشیعة، ۱۹۸/۹؛ معجم المؤلفین، ۱۳۰/۹ - ۱۳۱؛ هدیة العارفین، ۳۶۴/۲؛ فوالدالضویة، ص ۴۳۴ - ۴۳۵؛ ایضاح المکتون، ۷۲۳/۲؛ تاریخ علمی و اجتماعی اصفهان در دو قرن اخیر، ۱۲۵/۱ - ۱۸۲؛ مکارم الآثار، ۱۳۲/۴.

آخوند ملا صالح جوباره‌ای^۱، جد آقای حاج میرزا مهدی جوباره‌ای، وفات سنه ۱۲۸۵.

میرزا محمدطیب^۲، وفات سنه ۱۲۶۹.

حاج محمدصادق عارف، المشهور به حاج محمدصادق تخت فولادی^۳، وفات سنه ۱۲۹۰، مدفن در صحن تکیه مادر شاهزاده.

حاج آقا کوچک قمشه^۴، از عرفا، وفات سنه ۱۲۹۷، مدفن صحن تکیه [مادر] شاهزاده.

آقا میرزا محمدابراهیم^۵ عارف، وفات سنه ۱۳۱۲، المدفون فی الصحن المزبور.

آقا محمدرضا ابن آقا علی نقی اصفهانی^۶، وفات سنه ۱۲۷۹، خارج تکیه مزبوره.

ملا محمد^۷، وفات سنه ۱۲۰۲، مات شاباً و دفن مصاحباً للقبر المزبور.

بقعه آقا محمدبیدآبادی^۸

آقا محمدبیدآبادی^۹، وفات سنه ۱۱۹۷، مدفن تخته فولاد.

۱. ملا محمدصالح بن ملا محسن بن ملا عبدالفتاح مازندرانی جوباره‌ای (م ۱۲۸۵ / ق ۱۸۶۸ م)، عالم فاضل و فقیه اصولی و از فرزندان و نوادگان فاضل سراب. وی نزد شریف‌العلماء و دیگران، دانش آموخت، مانند: شیخ موسی و شیخ علی فرزندان کاشف الغطاء، سپس به اصفهان آمد و در محله جوباره سکونت کرد و به همین جهت به جوباره‌ای شهرت یافت. او در اصفهان باصیبه سیدصدرالدین عاملی، ازدواج کرد و به تدریس مشغول شد و به مرجعیت عامه در اصفهان رسید. در منابع، کتابی به نام کوائف الحجب در فقه، و در چند جلد را به او نسبت داده‌اند. وی در اصفهان دیده از جهان فرو بست و در گنبد تکیه مادر شاهزاده و پشت سر قبر وی، به خاک سپرده شد: طبقات اعلام الشیعه «قرن الثالث عشر»، ۶۵۱/۲/۲؛ الذریعه، ۲۰۵/۲ و ۱۷۷/۱۸؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۹۵؛ رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۷۴؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۸۶ - ۳۸۷.

۲. میرزا محمدطیب (م ۱۲۶۹ / ق ۱۸۵۲ یا ۱۸۵۳ م)، طبیب حاذق، حکیم ماهر و فقیه جامع اصفهانی. از زادگاه، تاریخ تولد و زندگانی وی اطلاعی در دست نیست جز اینکه نوشته‌اند وی در اصفهان دیده از جهان فرو بست و در تکیه مادر شاهزاده، به خاک سپرده شد: رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۲۲۸؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۷۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۹۵.

۳. حاج محمدصادق عارف «حاج محمدصادق تخت فولادی» (م ۱۲۹۰ / ق ۱۸۷۳ م)، از عرفان و زاهدان اصفهان که در تکیه مادر شاهزاده، سکونت داشته و شب‌زنده داری می‌کرده و جمعی به او اعتقاد داشته‌اند و در ذیقعه ۱۲۹۰ یا ۱۲۹۱ قمری در گذشته است و در بیرون گنبد تکیه مزبور، در سمت راست در ورودی تکیه، به خاک سپرده شده است و قبر وی بر روی سکویی آجری قرار داشته و بر روی آن سنگی مرمر وجود داشته است: رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۷۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۹۵؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۷۷.

۴. حاج آقا کوچک قمشه‌ای (م ۱۲۹۷ / ق ۱۸۸۰ م)، عالم و عارف و یکی از

اقطاب اصفهان. از زندگانی او نیز اطلاعی در دست نیست، جز اینکه نوشته‌اند، وی در کنار قبر حاج محمدصادق تخت فولادی، در تکیه مادر شاهزاده، به خاک سپرده شده و مفتون، شاعر اصفهانی، در تکبیتی ماده تاریخ وفات او را چنین آورده است:

بهر تاریخ وفاتش کلک مفتون زد رقم

زیده آل سلوک اندر جنان شد رستگار

رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۲۲۵؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان

اصفهان، ص ۱۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۹۵.

۵. میرزا محمدابراهیم عارف (م ۱۳۱۲ / ق ۱۸۹۴ یا ۱۸۹۵ م)، از عالمان متقی

اصفهان: رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۱۹۷؛ سیری در تاریخ تخت فولاد

اصفهان، ص ۹۵؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۰ - ۴۱.

۶. آقا محمدرضایان علی نقی اصفهانی (م ۱۲۷۹ / ق ۱۸۶۲ یا ۱۸۶۳ م)، عالم

محدث و عارف کامل که در خارج تکیه مادر شاهزاده مدفون است: رجال اصفهان

یا تذکره القیور، ص ۲۱۳؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۳۳۵.

۷. ملا محمد (م ۱۲۰۲ / ق ۱۷۸۷ یا ۱۷۸۸ م)، عالم فاضل که از زندگانی وی

نیز چیزی در دست نیست و در خارج تکیه مادر شاهزاده، در کنار قبر آقا

محمدرضا مدفون است: رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۲۲۶؛ تذکره القیور یا

دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۷۳.

۸. بقعه آقا محمد بیدآبادی، در قسمت شرقی تکیه خوانساریها، در تخت

فولاد، قرار داشته است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۹۵؛

تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۸۴.

۹. آقا محمدبن محمدرفع لامیجانی گیلانی بیدآبادی اصفهانی (م ۱۱۹۷ ق

۱۷۸۳ م)، عالم، فقیه، حکیم، متکلم، عابد، عارف و زاهد و یکی از

بزرگان حکمای شیعه و از مدرسان علوم معقول و منقول و عرفان و اخلاق

در اصفهان. وی در محله بیدآباد اصفهان، دیده به جهان گشود و چون

پدرش هنگام مهاجرت به اصفهان، در این محله سکونت کرد، به «بیدآبادی»

شهرت یافتند. او در اصفهان نزد میرزا محمدتقی بن میرزا کاظم الماسی و ملا

اسماعیل خواجویی دانش آموخت و به مدارج بالای علمی رسید و خود به

تدریس پرداخت و کسانی مانند: علی بن جمشید نوری حکیم، ملا محراب،

اسماعیل بن مرتضی جزایری، محمدبن عبدالله شهاندشتی لاریجانی،

صدرالدین محمدباقر دزفولی، میرزا ابوالقاسم رشتی مدرّس اصفهانی

و حاج محمدابراهیم کلباسی، از او دانش آموختند. وی مدتی در مدرسه

حکیم، تفسیر قرآن تدریس کرد و زندگی را در نهایت فروتنی و قناعت

می‌گذراند. او در فلسفه، پیرو وحدت وجود بود، از این رو بعضی از علمای

متشرع و متعصب در اعتقاد او طعن می‌زدند. او دارای آثار و تألیفات

فراوانی بوده؛ ولی هیچ‌گاه در صدد گردآوری آنها بر نیامد و بیشتر آنها از بین

رفته است. این آثار عبارتند از: رساله‌ای در سیر و سلوک، به فارسی، به صورت

نامه برای یکی از شاگردانش؛ حواشی بر کتب حکمت؛ رساله در سیر و سلوک در

جواب محقق قمی و دیگران؛ رساله‌ای به نام التفسیر؛ رساله‌ای در کیمیا؛ نامه‌ای

عرفانی به سیدحسین قزوینی.

وی از سلسله مشایخ بیدآباد بود و نسب آنان به شیخ زاهد گیلانی عارف

مشهور می‌پیوندد. او در نهم محرم ۱۱۹۸، در اصفهان، دیده از جهان فرو

بست و در شرق تکیه خوانساریها، در تخت فولاد، به خاک سپرده شد

و مدتها پس از درگذشت وی، میرزا سلیمان خان رکن الملک، نایب

الحکومه اصفهان که مردی ادیب، شاعر و متدین بود، بر فراز مقبره وی،

بقعه‌ای ساخت که به «بقعه آقا محمدبیدآبادی» شهرت یافت: طرائق الحقایق،

←

شیخ عبدالوهاب قاضی ابن الشیخ محمد^۱، وفات سنه ۱۲۰۶، فی التکیه المزبوره.

میر معصوم^۲، وفات سنه ۱۱۵۶، [المدفون] فی خارج البقعه الیبدآبادی.

صاحب جنات الخلود^۳، [المدفون] عند رأس المیر معصوم، بلا اثر.

تکیه بابا رکن الدین^۴

بابا رکن الدین مسعودین عبدالله بیضاوی^۵ [متوفی] سنه ۷۶۹.

→ ۹۸۳؛ تنبیه اهل الآمل، ص ۱۶۲؛ مکرم الآثار، ۶۶/۱ - ۷۰؛ روضات الجنات، ۱۲۲/۷ - ۱۲۴؛ نجوم السماء، ص ۳۲۰؛ تذکره المارین، ص ۱۰۴؛ اعیان الشیعه، ۴۰۵/۹؛ ریحانة الادب، ۳۰/۱/۱؛ طبقات اعلام الشیعه «قرن الثانی عشر»، ص ۶۹۵ - ۶۹۶؛ رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۷۹ - ۸۸؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۴۸۳ - ۴۸۴؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۷۸، ۲۷۱، ۲۸۳، ۲۸۴؛ دایرة المعارف تشیح، ۵۶۲/۳ - ۵۶۳؛ اثر آفرینان، ۱۰۴/۲؛ فهرست کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، ۴۴۸/۸؛ فهرست نسخ خطی کتابخانه ملی، ۵۵۳/۱۰؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۹۵ - ۱۹۶.

۱. شیخ عبدالوهاب بن محمدقاضی یبد آبادی اصفهانی (م ۱۲۰۶ ق / ۱۷۹۱ یا ۱۷۹۲ م)، عالم فاضل از سلسله مشایخ یبدآباد و جد فامیل قاضیهای ساکن چهارسوق در شیخ اصفهان که در پشت بقعه آقا محمدیبدآبادی مدفون است: رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۲۲۰؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۵۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۹۶.

۲. میر محمد معصوم بن میر عبدالحسین بن محمدباقر حسینی خاتون آبادی (۱۰۷۶ - ۱۱۵۵ یا ۱۱۵۶ ق / ۱۶۶۵ - ۱۷۴۲ یا ۱۷۴۳ م)، عالم زاهد و محقق. از شرح حال وی اطلاعات زیادی در دست نیست، جز اینکه نوشته‌اند، آقا محمدیبدآبادی، خوابی در جلالت قدر و عظمت شأن وی دیده بود و از این رو وصیت کرده بود که پس از مرگ، او را در جنب مقبره میر معصوم دفن کنند و همین موضوع باعث اعتقاد بیشتر مردم به وی شد. او در ۱۱۵۵ یا ۱۱۵۶ قمری، در اصفهان درگذشت و قبرش در پیش روی قبر آقا محمدیبدآبادی، در پایین سکو قرار دارد: رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۸۱؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۹۷؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۹۳؛ طبقات اعلام الشیعه «قرن الثانی عشر»، ص ۲۳۶، (شجره نامه خاتون آبادی) و ص ۷۳۱.

۳. میرزا محمدرضابن محمد مؤمن حسینی امامی خاتون آبادی «مدرس» (زنده ۱۱۲۸ ق / ۱۷۱۶ م)، عالم فاضل و مورخ. این سلسله منسوب به امامزاده زین العابدین از اولاد علی بن جعفر عریضی هستند و به این دلیل به «امامی» شهرت دارند. از تاریخ زندگانی وی اطلاعات زیادی در دست نیست. در منابع، سه اثر به او نسبت داده‌اند که عبارتند از:

جنات الخلود که دایرة المعارف کوچکی در عصر خود بوده است و به شاه سلطان حسین تقدیم کرده است و نخستین بار، در ۱۲۶۶ قمری، چاپ شده است و سید حسین همدانی آن را به عربی ترجمه نموده است؛ خزانة الانوار، تفسیری که باز به شاه سلطان حسین صفوی تقدیم کرده است؛ ابواب الهدایة. تاریخ دقیق وفات وی دانسته نیست و پس از مرگ او را در بالاسر قبر میر معصوم خاتون آبادی، در پشت بقعه آقا محمدیبدآبادی، به خاک سپردند: فوائد الرضویة، ص ۵۳۵؛ اعیان الشیعه، ۲۸۲/۹؛ طبقات اعلام الشیعه «قرن

الثانی عشر»، ص ۲۶۵ - ۲۶۶؛ الذریعة، ۲۳۷/۴ و ۱۵۰/۵ - ۱۵۱؛ ریحانة الادب، ۲۶۸/۵ - ۲۶۹؛ رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۲۱۲؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۱۹۵؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۹۱؛ معجم المؤلفین، ۳۱۷/۹.

۴. تکیه یا بقعه بابا رکن الدین، در ساحل جنوبی زاینده رود و مجاور جاده قدیم شیراز، در قبرستان قدیمی اصفهان «تخت فولاد» قرار گرفته است. این قبرستان به مناسبت دفن بابا رکن الدین در آن، تا اواخر عهد صفوی، به قبرستان بابا رکن الدین نیز، شهرت داشته است. ساختمان گنبد از حیث هندسه بنا و مشرف بودن آن بر سایر گنبدهای موجود در تخت فولاد، امتیاز خاصی دارد و به شکل گنبد هرمی شکل دوازده ترک است. این نوع گنبدها که به شکل کلاه درویشان است، فقط بر روی قبر درویش و عرفا ساخته شده است. بنای بقعه بابا رکن الدین به صورت کنونی آن، به امر شاه عباس اول صفوی شروع شده و در سال ۱۰۳۹ قمری، بعد از وفات شاه عباس، به اتمام رسیده است. نمای خارجی بنا و سر در آن کاشیکاری شده است و قاعده گنبد، مخمس متساوی الاضلاع است و پنج ایوان مشابه بر گرداگرد محوطه زیر گنبد ساخته شده است. این آرامگاه و بقعه، در سال ۱۲۰۰ قمری، تعمیر شده و کتیبه‌ای بر لوح سنگی، به خط نستعلیق برجسته، ایجاد گردیده است، بدین مضمون: «چون از تصاریف دوران شرفات مقصوره باب رکن الدین را، انهدام ساری و از تقالیب ایام و حدثان زمان، غرفات معموره حصن حصین او را انهدام طاری گردیده بود، از آنجا که مشیت و اراده جناب رب الارباب بر ابقاء و عدم انهدام آن بقعه شریفه بود، در این اوان فیروزه‌ای نشان سعادت توأمان، توفیق حضرت باری و تأیید جناب اقدس الهی، شامل حال عالیجاه رفیع جایگاه، قدوة السالکین، میرزا محمدنصیر بایزیدی البسطامی گردیده و در صدد تعمیر و آبادی بقعه رفیعه و خانقه منیعه بر آمده، معمور گردید. در اواسط شهری ذی الحجة الحرام سنه ۱۲۰۰. این آرامگاه به شماره ۲۰۱، به ثبت تاریخی رسیده است: سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۷۱، ۷۳؛ بخشی از گنجینه آثار ملی، بهشتیان، ص ۴۶؛ آثار ایران، گذار، ۳۰۲/۴ - ۳۰۷؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنر فر، ص ۴۹۳ - ۴۹۵؛ آثار ملی اصفهان، رفیعی مهر آبادی، ص ۸۴۷؛ رجال اصفهان یا تذکره القیور، ص ۶۳ - ۶۶؛ تذکره القیور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۵۳ - ۱۵۴؛ بناهای آرامگاهی «دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران، در دوره اسلامی»؛ ص ۲۲ - ۲۳؛ تاریخ اصفهان، ص ۱۷۹ - ۱۸۰.

۵. بابا رکن الدین مسعودین عبدالله بیضاوی شیرازی (م ۷۶۹ ق / ۱۳۶۷ م)، عارف نامدار سده هشتم هجری. وی در اصل از مردم بیضای فارس بوده و به همین دلیل او را «بیضاوی» خوانده‌اند و برخی از متأخران مانند: جابری انصاری و به پیروی از او شیخ عباس قمی و مدرس، نسبت «انصاری» را برای بابا رکن الدین ذکر کرده‌اند که در منابع کهن و قدیمی، ذکر وی از آن نیامده و معلوم نیست که جابری از کجا چنین نسبتی را یافته. بنابراین، نسبت «انصاری» برای بابا رکن الدین، پایه و اساسی ندارد. علت اشتباه وی به «بابا رکن الدین» را در منابع ندیدم که به صراحت گفته باشند، اما برخی از منابع نوشته‌اند که در سده‌های هفتم و هشتم هجری، گروهی از عرفای بزرگ بوده‌اند که به «بابا» و «عمو»، شهرت داشته‌اند و «بابا» در اصطلاح عرفا و صوفیه، به «شیخ» و «مرشد» و بزرگان اهل تصوف اطلاق می‌شده است و این لفظ که به معنای «پیر و مرشد» است، در جلوی اسامی عده‌ای از عرفا و صوفیه، در این دو سده، رایج و شایع بوده است و جابری انصاری گوید: عارفانی که از نژاد جابربن عبدالله انصاری بودند و در بلاد پراکنده شدند،

آقای حاج میرزا جواد نوری^۱، از علما فی داخل [بقعة] بابا رکن الدین.

آقای حاج میرزا محمدعلی مازندرانی^۲، وفات سنه ۱۲۵۳، مدفن فی صحن بابا المزبور.

آقای حاج میرزا محمدتقی نوری^۳، وفات سنه ۱۳۲۹، مدفن فی صحن بابا المذكور.

مولانا یحیی^۴ العارف، وفات سنه ۱۱۵۳، مدفن فی صحن بابا المزبور.

«دایرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی»، ص ۲۲ - ۲۳؛ تذکره القبرور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، مقدمه و ص ۱۵۲ - ۱۵۴؛ دایرة المعارف فارسی مصاحب، ۱/۳۵۷؛ اثر آفرینان، ۲/۲؛ الکنی واللقاب، ۲/۲؛ الذریعة، ۱۸۰/۲۴.

۱. حاج میرزا جوادبن میرزا محمدعلی نوری مازندرانی (م ۱۳۲۳ ق / ۱۹۰۵ م)، عالم فاضل و جامع معقول و مقول و از بزرگان شیعه که در اصفهان دیده به جهان گشوده است. نزد آقا میر سیدمحمدشهبان، دانش آموخت و با دختر حاج کلباسی، ازدواج کرد و ریاست مذهبی اصفهان در عصر خود به وی منتهی گردید و در مسجد دروازه نو، امامت جماعت داشت. او در شب بیستم شوال ۱۳۲۳، در حالی که نزدیک صد سال عمر کرده بود، در اصفهان دیده از جهان فرو بست. قبر وی، در طرف راست گنبد، قرینه قبر بابا رکن الدین، در ایوانچه قرار دارد. آثار او عبارتند از: رساله‌ای در نماز شب؛ کتابی در اصول؛ کتابی در فقه استدلالی؛ رساله‌ای در نمازهای مستحبی؛ رساله عمیله؛ رجال اصفهان یا تذکره القبرور. ص ۶۵؛ تذکره القبرور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۰۵؛ ربحانة الادب، ۲۶/۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۷۳.

۲. حاج میرزا محمدعلی نوری مازندرانی (م ۱۲۵۳ ق / ۱۸۳۷ م)، عالم فاضل، حکیم عارف و فقیه اصولی، وی در قصبه نوره مازندران، دیده به جهان گشود و بعد به اصفهان مهاجرت کرد و در آنجا به تحصیل علوم فقه، اصول و حکمت پرداخت و مدتی هم برای تزکیه و تصفیة نفس به هندوستان سفر کرد و ریاضت کشید و پس از مراجعت به اصفهان، گوشه گیری و انزوا، پیشه کرد و کمتر با مردم معاشرت داشت. او در ۲۳ ذی قعدة ۱۲۵۳، دیده از جهان فرو بست و در سمت شمال غربی خارج بقعة بابا رکن الدین در تخت فولاد، به خاک سپرده شد. از آثار وی می‌توان: حواشی لمعة و حواشی مثنوی را نام برد. رجال اصفهان یا تذکره القبرور، ص ۶۶؛ ربحانة الادب، ۲۶/۶ - ۲۶۱؛ تاریخ اصفهان، ص ۲۷۱، ۳۲۸، ۳۳۰؛ تذکره القبرور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۰۵؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۷۳ - ۷۴.

۳. میرزا محمدتقی بن میرزا محمدعلی نوری مازندرانی (م ۱۳۲۹ ق / ۱۹۱۱ م)، عالم فاضل. وی در اصفهان دیده به جهان گشود و در همانجا پرورش یافت و نزد بزرگان و عالمان آن دیار دانش آموخت. او در فنّ تعبیر خواب مهارت فراوانی داشت. گویند پیش از کشته شدن ناصرالدین شاه قاجار، کسی وی را در خواب به لباس اهل علم دید و چون بیدار شد، نزد میرزا محمدتقی رفت تا خوابش را تعبیر کند و او گفت: ناصرالدین شاه کشته می‌شود، پس از وقوع حادثه قتل، از او دلیل این تعبیر را پرسیدند، در جواب این حدیث را قرائت کرد: «فمن خرج عن زبیه قدمه هدر» هرکس از زنی و لباس خود خارج شود، خون او ریخته خواهد شد. نوشته‌اند که پیش از مرگ خود، بارها مرگ خود را خیر داد و پس از عمری طولانی در اصفهان دیده از جهان فرو بست و در سمت غربی خارج بقعة بابا رکن الدین در صحن وی، به خاک سپرده شد. رجال اصفهان یا تذکره القبرور، ص ۲۰۶؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۷۳؛ تذکره القبرور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۲۰۶.

۴. بابا یحیی (م ۱۱۵۳ ق / ۱۷۴۰ م)، عارف فاضل و یکی از چندین بابای مدفون در اصفهان و اطراف آن. از تاریخ تولد، زادگاه و زندگانی وی اطلاعی در دست نیست. رجال اصفهان یا تذکره القبرور، ص ۲۰۱ - ۲۰۲؛ تذکره القبرور یا دانشمندان و بزرگان اصفهان، ص ۱۵۳؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۷۱.

→ بیشتر به «بابا» شهرت یافتند؛ که البته این ادعایی بی مدرک است.

بابا رکن الدین در عرفان از شاگردان کمال الدین عبدالرزاق کاشانی، داود قیصری و نعمان خوارزمی بوده و در طریقت پیرو سلسله سهروردیه است که در آغاز در شیراز می‌زیسته و بعد به اصفهان مهاجرت نموده و سکونت کرده است و گویا در همین مکانی که اکنون آرامگاه اوست، منزل داشته و در همانجا نیز در ۲۶ ربیع الاول ۷۶۹، دیده از جهان فرو بسته و به خاک سپرده شده است. وی در حیات و ممات، مورد احترام همگان بود و پس از مرگ، قبرش زیارتگاه خاص و عام بوده و از اینکه کسانی مانند: شیخ بهایی و مجلسی اول، به زیارت او می‌رفته‌اند و برای وی کراماتی نقل کرده و به او اعتقاد داشته‌اند، می‌توان حدس زد که به احتمال قوی، وی از عارفان شیعه بوده است. او دارای آثار و تألیفاتی بوده که عبارتند از: نصوص الخصوص فی ترجمة النصوص که مهم‌ترین آنهاست و شرحی است فارسی بر فصوص الحکم ابن عربی که آن را به تشویق استادش نعمان خوارزمی در سالهای ۷۳۹ - ۷۴۳ قمری، تألیف کرده است. بخش نخست این اثر، مشتمل بر سه فصل آن، به کوشش رجبعلی مظلومی در تهران، در ۱۳۵۹ ش، چاپ شده است؛ معلوم الخصوص من مفهوم النصوص که ناتمام مانده؛ قلندریه؛ شرح الثانیة الکبری ابن فارص به نام کشف الضمیر فی نظم الذکر که نسخه‌هایی در کتابخانه مجلس و غیر آن موجود است. قبر بابا رکن الدین در زیر گنبد، در صفه یا ایوان کوچکی در سمت چپ در ورودی بقعة بابا رکن الدین قرار دارد و از مرمر یکپارچه، به شکل مکعب مستطیل، ساخته شده است. عنوان و القاب و تاریخ وفات وی در بالای قبر، بر قطعه سنگی مرمرین، به خط ثلث، نوشته شده است. بابا رکن الدین، نخستین دانشمند معروفی است که در گورستان تخت فولاد، دفن شده است. از این رو در قدیم تا چندی پیش از صفویه آنجا را «قبرستان بابا رکن الدین» می‌نامیدند: طرائق الحقایق، ۱/۲۶۱؛ روضات الجنات، ۷۸۷؛ وقایع السنین والاعوام، ص ۳۶۴؛ کشف الظنون، ۱/۲۶۶؛ فهرست نسخه‌های خطی فارسی منزوی، ۱۳۱۹/۲؛ نامه مینوی «بابا رکن الدین شیرازی...»، ص ۴۸۰ - ۵۱۰؛ مجله یادگار، سال ۲، ش ۴ (۱۳۲۴ ش)، ص ۴۲ - ۴۶؛ مقدمه نصوص الخصوص؛ هدیه الاحباب، ص ۱۰۲؛ ربحانة الادب، ۲۱۳/۱؛ گنجینه آثار تاریخی اصفهان، هنر فر، ص ۴۹۵ - ۵۰۰؛ دانشنامه جهان اسلام، ۳۳/۱؛ ۳۵؛ تاریخ اصفهان، جابری انصاری، ص ۱۲۲، ۱۷۰، ۱۷۹ - ۱۸۰؛ رجال اصفهان یا تذکره القبرور، ص ۶۳ - ۶۴؛ سیری در تاریخ تخت فولاد اصفهان، ص ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۷۱، ۷۳؛ بخشی از گنجینه آثار ملی، بهشتیان، ص ۴۴؛ آثار ایران، گدار، ۳۰۲/۴ - ۳۰۷؛ آثار ملی اصفهان، رفیعی مهرآبادی، ص ۸۴۷؛ بناهای آرامگاهی